

۱۱-۵	<b>مدخل</b>
۶	بیان مسأله
۸	تعریف مفاهیم
<b>۷۴-۲۱</b>	<b>فصل اول - مبانی نظری قدرت از دیدگاه امام خمینی</b>
۱۳	مفهوم قدرت
۱۶	نگرش امام به قدرت
۲۰	هدف از کسب قدرت
۳۲	آسیب‌ها و چالش‌های فراروی قدرت در جوامع اسلامی
۴۲	تقابل با دیدگاه‌های مادی‌گرایان
<b>۶۳-۴۸</b>	<b>فصل دوم - مفهوم قدرت در اندیشه ولایت فقیه</b>
۴۹	مقدمه
۵۰	ادله ولایت فقیه
۵۵	ویژگی‌های ولی فقیه
۵۹	ولایت فقیه در تقابل با دیکتاتوری
<b>۱۰۰-۶۴</b>	<b>فصل سوم - دموکراسی و قدرت در اندیشه امام خمینی (ره)</b>
۶۵	مقدمه

۶۶	جایگاه دموکراسی در اندیشهٔ سیاسی امام (ره)
۷۰	مردم‌سالاری دینی - پیوند میان دموکراسی و تئوکراسی
۸۵	کاربرد دموکراسی
۸۶	بازیابی اصول و عناصر دموکراسی در اندیشهٔ سیاسی امام خمینی

۱۰۵ - ۱۰۱

**نتیجه‌گیری**

۱۰۶

**فهرست منابع**



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده علوم سیاسی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی

بازشناسی مفهوم قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

استاد راهنما

جناب آقای دکتر عماد افروغ

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محمد علی فتح‌اللهی

پژوهشگر

سید عبدالحسین حجت‌زاده

بهمن ماه ۱۳۸۷

## چکیده

رساله حاضر با عنوان «بازشناسی مفهوم قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی» به بررسی دیدگاه‌های امام خمینی در خصوص قدرت مشروع، ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی (و پیوند میان دموکراسی و تئوکراسی) می‌پردازد. برخی از پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

- مبانی و لایه‌های زیرین اندیشه سیاسی امام ره در زمینه قدرت کدامند؟
  - شرایط و حدود قدرت ولی فقیه در جامعه کدامند؟
  - امام خمینی چه برداشتی از مفهوم دموکراسی داشته‌اند؟
- در راستای پاسخ به پرسش‌های مذکور، با تأکید بر لایه‌های زیرین اندیشه امام و نگرش صدرایی ایشان به مقوله سیاست و قدرت، در سه فصل به بررسی آن‌ها پرداختیم:
- مدخل (کلیات نظری پژوهش)
  - فصل ۱. مبانی نظری قدرت از دیدگاه امام خمینی؛
  - فصل ۲. مفهوم قدرت در اندیشه ولایت فقیه؛
  - فصل ۳. دموکراسی و قدرت در اندیشه امام خمینی.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی؛ اندیشه سیاسی؛ دموکراسی؛ قدرت سیاسی؛ ولایت فقیه، نگرش صدرایی.



**Ministry of science, research & technology**  
**Institute for Humanities & Cultural Studies**  
**Postgraduate studies management**  
**Faculty of Political Science**

**PhD thesis**

**The Concept of Power in Imam Khomeini's Political Thought:**  
**A Re-Reading**

**Supervisor:**  
**Dr. Imad Afruq**

**Advisor:**  
**Muhammad Ali Fathullahi**

**By**  
**Sayyid 'Abd al-Husayn Hujjat Zadih**

**2009**

## **Abstract:**

The present dissertation aims at expounding the Imam Khomeini's view concerning the legitimate Power, Wilayat-i Faqih and Religious Democracy in addition to the interactions between Democracy and Theocracy. Some of the main topics run as follow:

- What are the fundamental principles of the concept of Power in Imam Khomeini's Political Thought
- What are the limits and conditions to the Wilayat-i Faqih?
- What is Imam Khomeini's understanding of Democracy?

In dealing with the above questions, with regards to his Sadrean World view concerning Politics and Political Power, the following chapters have been taking into account:

- Introduction
- Chapter ۱: Theoretical Principles concerning Power from Imam Khomeini's point of view
- Chapter ۲: The Concept of Power in the Understanding of Wilayat-i Faqih
- Chapter ۳: Democracy and Power in Imam Khomeini's Thought

**Keywords:** Imam Khomein, Political Thought, Democracy, Political Power, Wilayat-i Faqih, Sadrean Worldview

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیر و تشکر

خداوند را سپاس می‌گوییم که توفیق برخورداری از اساتیدی متعهد و متخصص جهت نگارش پایان‌نامه‌ام به من عطا فرمود و باز خداوند متعال را شاکرم که در زمان نگارش این رساله، مرا به امتحان خود آزمود و به رغم پارگی شریان حیات در مغزم، رحمت‌اش را بر من و خانواده‌ام فرو فرستاد و توفیق شکرش را از ما نگرفت.

باری، در ایام نگارش این رساله، ناچار به انجام عمل جراحی مغز گردیدم که بدان جهت، ماه‌ها در حالت بیهوشی کامل قرار داشتم و بیش از دو سال درگیر این بیماری بودم تا به لطف الهی به تدریج توان از دست رفته را باز یافتم. خداوند شاهد است که تا چه اندازه شوق تحقیق و استفاده از رهنمودهای اساتید بزرگوام را داشتم و به دلیل این بیماری موفق به انجام تمامی آنچه می‌خواستم و آنچه مد نظر اساتید گرامی‌ام بود، نگردیدم. از خواننده این رساله می‌خواهم تا در زمان مطالعه این اثر، شرایط دشوار بیماری‌ام را در نظر گیرد، همانگونه که اساتید ارجمندم با نظر بلند خود چنین نمودند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند \*\*\*\*\* که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار \*\*\*\*\* دگر عضوها را نماند قرار

بر خود لازم می‌دانم از صبر و همراهی خانواده‌ام به ویژه همسر فداکارم قدردانی و تشکر نمایم. همچنین از توجه ریاست محترم پژوهشگاه جناب آقای دکتر مهدی گلشنی و مسئولین محترم پژوهشگاه که نهایت مساعدت را نمودند؛ و تمامی اساتید خود به ویژه استاد راهنما جناب آقای دکتر عماد افروغ و استاد مشاور جناب آقای دکتر محمد علی فتح‌اللهی و اساتید داور حاضر در جلسه جناب آقای دکتر رامین خانگی و حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر داود مهدوی زادگان که هر چند رساله‌ام از استحکام مورد نظر آنان برخوردار نشد، اما به توان و تلاشم در چنین شرایطی عنایت نمودند؛ و نیز از همکاران خود در دانشکده تربیت معلم تشکر و قدردانی نمایم.



مدخل

کلیات نظری تحقیق

## بیان مسأله

در این پژوهش به بررسی مفهوم قدرت در آثار امام خمینی می پردازیم. اهمیت این بررسی از آن روست که به لحاظ نظری، اندیشه سیاسی امام، بیانگر ارتقای اندیشه سیاسی تشیع است. نیز به لحاظ عملی، اندیشه امام جامعه عمل پوشید و عملاً بر گفتمان غرب چیره شد.

با عنایت به این امر، ما در پی تحلیل اندیشه سیاسی امام درباره قدرت هستیم. اهمیت این امر برای جامعه کنونی ما بسیار واجد اهمیت است. امام احیاگر دین در دو متداخل ساخت خارجی و داخلی بودند (نک: عماد افروغ، بهار و تابستان ۱۳۸۷) با عنایت به احیای امام در زمینه حکومت اسلامی و مبانی کلامی و فقهی امام باید به اندیشه‌های ایشان به ویژه مبانی هستی‌شناسانه فلسفی و عرفانی‌شان پرداخت و نباید اهداف اخلاقی و معنوی ایشان را در امر حکومت و نوع نگرش کل‌گرایی توحیدی و صدراایی‌شان را نادیده گرفت.

با عنایت به این امر مباحث خود را در سه فصل ارائه می‌دهیم:

۱. مبانی نظری قدرت از دیدگاه امام خمینی

۲. مفهوم قدرت در اندیشه ولایت فقیه

۳. دموکراسی و قدرت در اندیشه امام خمینی (ره)

در فصل اول در پی تشریح شیوه نگرش امام به قدرت و منابع درک و ارزیابی آن از سوی امام می‌باشیم. چه مبانی و لایه‌های زیرینی در اندیشه سیاسی امام ره در قبال قدرت موجود است؟ ابعادی از قدرت برای امام خمینی (ره) مطرح بوده است؟ کسب قدرت سیاسی در راستای چه اهدافی باید باشد؟ آفات قدرت کدامند و راه‌های کسب و ایجاد قدرت در دیدگاه امام چیستند؟

در فصل دوم به اندیشه ولایت فقیه در آثار امام خمینی می‌پردازیم. شرایط ولی فقیه چیست؟ چه دلایلی برای آن مطرح است؟ حدود قدرت ولی فقیه چیست و چگونه ولایت فقیه از دیگر انواع حکومت نظیر دیکتاتوری تمییز داده می‌شود؟

در فصل سوم به آرای امام در زمینه دموکراسی می‌پردازیم. امام خمینی چه برداشتی از مفهوم دموکراسی داشته‌اند؟ چه تفاوتی میان برداشت ایشان از دموکراسی با مفهوم دموکراسی در غرب موجود است؟ کارکرد موفقیت‌آمیز «قدرت» در متون و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی، که مبتنی بر رویکرد خاص و نگرش اسلامی ویژه ایشان به «قدرت» است، می‌تواند در حفظ و استمرار انقلاب نقش داشته باشد، مثلاً حضرت امام (ره) تکیه صرف دولت‌ها به «قدرت مادی» را اشتباه می‌داند و از نظر ایشان با حکومت بر قلب‌ها می‌توان قوی‌ترین امپراتوری‌ها را هم به زانو درآورد، و برعکس اگر دولت از این قدرت (نرم) برخوردار نباشد، هر چقدر هم که قدرت مادی (سخت) داشته باشد نمی‌تواند پایداری کند. این امر و نظایر آن، نشان‌دهنده نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این خصوص است.

با توجه به نبود مطالعات وسیع در زمینه قدرت سیاسی امام ره، باشد که اندکی از چالش‌های نظری موجود در مفهوم‌شناسی قدرت کاهش یابد. از سوی دیگر بازشناسی مفهومی «قدرت» از دیدگاه امام به عنوان واضع گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه نظری و هم در ساخت عملی می‌تواند دستگاه‌های فکری، پژوهشی و آموزشی را ارتقاء بخشد، به پیشبرد اهداف اعلام شده انقلاب اسلامی و بشریت ارائه خدمت نماید. با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران با تئوری‌های موجود انقلاب همخوانی ندارد، چنین پژوهش‌هایی نه تنها در موسسات آموزشی و پژوهشی داخلی، که در موسسات مربوطه در خارج از کشور هم شایان مطالعه و تحقیق است و برای آن‌ها هم ارزشمند خواهد بود.

در زمینه اندیشه امام خمینی دو دسته منابع اساسی موجود است: اول آثار مرحوم امام به قلم ایشان که ما از میان این آثار به منابع زیر توجه بیش‌تری داشته‌ایم: ۱. کتاب حکومت اسلامی و ولایت فقیه؛ ۲. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره) و ۳. متن کامل صحیفه امام خمینی (بر اساس نرم افزار نسخه ۳). دوم شرح دیدگاه امام (ره) که در این زمینه به آثار آیت الله جوادی آملی؛ آیت الله مصباح یزدی مراجعه بیش‌تری نموده‌ایم.

این تحقیق مشتمل بر فصول زیر می‌باشد:

- مدخل: کلیات نظری تحقیق (بخش حاضر)
- مبانی نظری قدرت از دیدگاه امام خمینی
- مفهوم قدرت در اندیشه ولایت فقیه
- دموکراسی و قدرت در اندیشه امام خمینی (ره)
- نتیجه‌گیری

### تعریف مفاهیم:

در اینجا به جهت آشنایی خوانندگان ارجمند با مفاهیم اساسی تحقیق، در این بخش خلاصه‌وار اطلاعات اولیه‌ای را در خصوص امام خمینی و سپس برخی از اصطلاحات و واژگان تحقیق ارائه می‌دهیم.

### الف - روح الله موسوی خمینی (ره)

۱. تاریخ صحیح تولد بنا بر گفته خود ایشان (۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ مطابق ۳۰ شهریور ۱۲۸۱

۲. مهم‌ترین اساتید امام (ره): میرزا سید علی یثربی کاشانی (ره)؛ آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره)، حاج سید ابوالحسن قزوینی (ره)، آقا میرزا محمد علی شاه‌آبادی (ره).

۳. تاثیرگذارترین افراد بر مرحوم امام (ره): (به بیان خود ایشان): در فلسفه: ملاصدرا (ره)؛ در فقه صاحب جواهر (ره)؛ در اخبار: کافی (ره).

۴. آغاز مخالفت علنی با رژیم شاهنشاهی از سال ۱۳۴۰ و در پی مسأله انجمن‌های ایالتی و ولایتی.

۵. رهبری قیام مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و دستگیری مرحوم امام (ره) و انتقال ایشان به تهران

۶. دستگیری امام خمینی در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و تبعید ایشان به آنکارا.

۷. تبعید امام از ترکیه به عراق در ۱۳ مهرماه ۱۳۴۳

۸. آغاز درس خارج فقه امام در آبان ۱۳۴۴ در مسجد شیخ انصاری (ره) نجف

۹. شهادت آیه الله حاج آقا مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶

۱۰. (ادامه تبعید) ورود به پاریس در ۱۴ مهر ۱۳۵۶.

۱۱. تشکیل شورای انقلاب در دی ماه ۵۷

۱۲. بازگشت امام به کشور در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

۱۳. رحلت امام در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ در سن ۸۷ سالگی.

## ب - قدرت / مشروعیت / اقتدار:

### ۱. قدرت:

این اصطلاح از طریق سه مفهوم به هم پیوسته تعریف می‌شود. قدرت بدون برخورداری از منابع وجود ندارد. در عین حال لازم است قابلیت استفاده از این منابع نیز فراهم باشد. استفاده از منابع مستلزم یک برنامه کاربردی و به موازات آن حداقلی از اطلاعات درباره شرایط و نتایج این کاربردی است.

شایع‌ترین تعریف اصطلاحی آن عبارت است از: توانایی انجام کاری یا عدم آن. و نیز توانایی وادار نمودن کسی (گروهی) به انجام کار یا عدم انجام آن

قدرت سیاسی *political power* یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در علم سیاست است. تا آنجا که

برخی علم سیاست را منحصر در شناخت قدرت نموده‌اند. (موریس دورژه، ۱۳۷۷: ۲۳ - ۲۴)

### ۲. مشروعیت

مشروع در لغت به معنای مطابق با شرع (شرعی) است. مثلاً گفته می‌شود: روابط مشروع اما در مجاز به معنای

«بر حق» استعمال شده است (تقاضای مشروع، حق مشروع) مشروعیت: وضع یا کیفیت مشروع بودن است.

(غلامحسین صدری افشار، ۱۳۸۲: ۱۱۷۹)

امادر اصطلاح متداول (غربی) در علم سیاست عبارت است از :

« باور عمومی اعضای یک جامعه ی مبنی بر اینکه قدرت دولت برای وضع و اجرای قوانین قدرتی به حق، قانونی و مستوجب فرمانبرداری است.» (آستین رنی، ۱۳۷۴:۱۶)

او به درستی اشاره دارد که « هر اجتماع سیاسی که در آن بخش مهمی از مردم مشروعیت اختیارات دولت را رد کنند، و از اطاعت قوانین آن سرباز زنند دیگر اجتماع سیاسی نیست بلکه رزمگاهی است برای جنگ داخلی.» (همان منبع: ۵۱)

### ۳. اقتدار:

اقتدار بر مفهوم عمیق تری از قدرت دلالت دارد که با نفوذ قلبی همراه است. لذا گفته می شود که اقتدار شامل حق یا توان مندی یا هر دو در قبولاندن طرح ها، تجویزات و دستورات بدون اغواگری و یا کاربرد زور می باشد. (ایان مک لین، ۱۳۸۱: ۵۳) به عبارت دیگر: قدرت + مشروعیت = اقتدار. اقتدار را می توان معادل قدرت قانون دانست. فرامرز رفیع پور در باب هسته اصلی مشروعیت می نویسد :

«نظام سیاسی حاکم (یا یک حزب یا یک سازمان) از سوی مردم پذیرفته، مثبت ارزیابی و لذا موجه و قانونی تلقی شود.» (فرامرز رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۴۹)

### ج - دموکراسی

نظامی سیاسی و تامین کننده مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های سیاسی که غالباً از طریق انتخاب نمایندگان برای دستگاه های حکومتی عمل می کند. چالش عمده دموکراسی در جهان اسلام در موضوعی است که حمید عنایت آن را چنین تشریح نموده است:

«اگر اسلام با بعضی از اصول موضوعه دموکراسی تعارض داشته باشد، به خاطر خصلت کلی اش به عنوان دین است. هر دین دیگری هم لا محاله چنین برخوردی پیدا می کند و این به صرف دین بودن آن است. یعنی نظامی از عقاید مبتنی بر حداقلی از اصول لا یتغیر و بی چون و چرا، یا ناشی از موثیق و مرجعیت مأثوره، ولی یکی از لوازم ذاتی دموکراسی - حال تعریفش هر چه باشد - چون و چرای مداوم است که ناچار به معارضه با بسی اصول مقدس آن هم کشیده می شود.» (حمید عنایت، ۱۳۷۲: ۲۲۱)

مفهوم دموکراسی به مثابه یک ایدئولوژی غربی مغایر با اصول ثابت دین اسلام خواهد بود. اما دموکراسی به مثابه یک روش با محتوای دینی در جوامع اسلامی امکان تحقق دارد که در سال‌های اخیر به مردم‌سالاری دینی نامیده شده است.

### پی‌نوشت‌ها

---

- Legitimate
- Acceptance
- Democracy

## **فصل اول**

### **مبانی نظری قدرت از دیدگاه امام خمینی ره**



## مفهوم قدرت

قدرت در اصل واژه‌ای عربی است از «قدر - یقدر» (قدره) به معنای توانایی داشتن، سیطره داشتن بر چیزی

است. معادل این واژه در انگلیسی Power و در عربی «القوة»، «القدرة» می‌باشد.

شایع‌ترین تعریف اصطلاحی قدرت که نگرشی تک‌بعدی بدان دارد؛ عبارت است از:

- توانایی انجام کاری یا عدم آن.

- توانایی وادار نمودن کسی (گروهی) به انجام کار یا عدم انجام آن

محدوده این توانایی در قوانین رسمی هر کشور تعریف شده و دولت به عنوان برترین قدرت مشخص شده است.

در باب مشروعیت نیز معمولاً تعاریفی نظیر تعریف آستین رنی در ادبیات جاری غربی ارائه می‌گردد:

باور عمومی اعضای یک جامعه مبنی بر اینکه قدرت دولت برای وضع و اجرای قوانین قدرتی به حق، قانونی و مستوجب فرمانبرداری است. «آستین رنی، ۱۳۷۴: ۱۶) او اشاره دارد که «هر اجتماع سیاسی که در آن بخش مهمی از مردم مشروعیت اختیارات دولت را رد کنند، و از اطاعت قوانین آن سرباز زنند دیگر اجتماع سیاسی نیست بلکه رزمگاهی است برای جنگ داخلی. (همان منبع: ۵۱)

امام خمینی زمانی که از قدرت سخن می‌رانند، اشاره به همان معنای عرفی و رایج از قدرت در متون سیاسی روز

دارند که معمولاً ناظر به توانایی افراد، یا اعضای یک گروه و یا دولت‌ها در دستیابی به اهداف و یا پیشبرد منافع

خویش می‌باشد که از برآیند مجموعه‌ای از روابط مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی شکل گرفته باشد. اما

در خصوص مسأله مشروعیت، در مسیری کاملاً متفاوت قرار می‌گیرند که به گونه‌ای ملموس تعریف قدرت را نیز

متحول می‌نماید. ایشان امر حکومت و قدرت سیاسی را بر اساس ادله قرآنی، روایی و عقلی، متعلق به امام معصوم

(ع) می‌دانند و در زمان غیبت ایشان، منوط به نظارت فردی با ویژگی‌های زیر می‌نمایند:

۱. شرایط عامه مانند داشتن عقل و تدبیر،

۲. علم به قانون الهی،

۳. عدالت.

لذا امام (ره) در تعریف قدرت متوجه هر دو جنبه قدرت مادی و معنوی آن هستند. از دید ایشان در «توجه به خدا» قدرتی است که یک ابرقدرت را به زانو در می آورد. وقتی مساله اصلی اسلام باشد دیگر رقابت بر سر کسب قدرت نیست. (این مساله مطرح نیست که یکی قدرت اش زیادتر است و دیگری کمتر) (صحیفه امام، ۱۱/۲۹۴)

- «شما غافلید که با چی مقابله کنید. با آمریکا که مجهز به همه تجهیزات درجه اول دنیاست. یعنی یک قوه ای است که مقابل ندارد در دنیا، لکن ما مجهزیم به قدرت بالاتر از آن و آن توجه به خدا و اسلام است.» (صحیفه امام، ۱۱/۱۱۷)

- دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه، از هیچ کوششی فروگذار نمی کند.» (همان منبع: ۱۳/۲۱۲)

- ما در عین حالی که قدرتمندترین دولت های منطقه هستیم و به برکت اسلام، یک قدرتی این کشور ما و این ملت ما دارد که قدرت های بزرگ هم نمی توانند تعرض به او بکنند ... در عین حال ما می خواهیم با همه این کشورهای اسلامی ... برادر باشیم.» (همان منبع: ۱۶/۳۹۱)

با توجه به آن چه گفته شد، قدرت مشروع، (در مقابل قدرت طاغوت، قدرت جابر و ظالم و قدرت های شیطانی) قدرتی است که در راستای شریعت الهی و مقاصد ظهور امام معصوم (ع) قرار گیرد. این مشروعیت ارتباطی با آرای مردم ندارد و حکم خداست. هر چند که ظهور اجتماعی آن با انتخاب مردم است. در اینجا مسایل عمیق تری نیز مطرح می شوند. مثلاً تصریح ملاصدرا مبنی بر مختار بودن انسان و این عبارت که «فالمختاریه مطبوعه فیه، اضطراریه له» (مختاریت در طبع انسان قرار داده شده و اضطراری وجود او گشته است.) و نیز مختار بودن انسان از دیدگاه امام خمینی (ره) اصولاً نمی تواند زمینه ساز جبرگرایی اجتماعی و سیاسی باشد و طبعاً رابطه امام و امت را نمی توان و نباید رابطه ای جبرگرایانه؛ از بالا به پایین؛ یک سویه و متصلب تفسیر نمود. (نک: عماد افروغ، بهار و تابستان ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷) لذاست که از سویی شاهد تاکید زایدالوصف امام (ره) بر مراجعه به آرای مردم هستیم و از سوی دیگر با تاکید ایشان مبنی بر ضرورت توجه به معیارهای صحیح مواجه می گردیم:

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات ... در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می شود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند

که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعی و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند. ... چه هیچ‌کس را علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل کرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتها به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پاهنگان را نمی‌توانند بفهمند. (صحیفه امام: ۲۱/۴۲۲)

و نیز می‌فرمایند:

در جمهوری اسلامی جز در موارد نادری که اسلام و حیثیت نظام در خطر باشد، آن هم با تشخیص موضوع از طرف کارشناسان دانا، هیچ‌کس نمی‌تواند رأی خود را بر دیگری تحمیل کند، و خدا آن روز را هم نیآورد. (به نقل از: عماد افروغ، بهار و تابستان ۱۳۸۷: ۱۸)

و چنان‌که از وصیت‌نامه امام خمینی بر می‌آید از دید ایشان قدرت باید در مسیر خودشناسی و خودکفایی و استقلال کشور به کار گرفته شود و مبتنی بر شریعت اسلام و مقید به رعایت حلال و حرام آن و معطوف به آرمان‌های متعالی (الهی) باشد و از آن‌جا که قدرت با بی‌تفاوتی و بی‌مبالاتی اعضای جامعه از میان می‌رود. لذا قدرت با دو فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط مستقیمی است. به عنوان مثال:

... وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده ....

... من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندان با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم. و این سیره و طریقه انبیای عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم؛ و باید به خود بیاورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند؛ و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند. ...

## نگرش امام به قدرت

نگاه امام خمینی به قدرت بر پایه نوآوری امام در زمینه هستی‌شناسی یا حکمت متعالیه صدرایی<sup>□</sup> قرار دارد. همچنانکه عماد افروغ تصریح می‌نماید، «باور به اصالت و اشتداد وجود، نفی ثنویت، مختار دیدن انسان و اصالت قائل شدن برای جامعه، این قابلیت را دارد که هم نگرش امام (ره) در خصوص پیوند دین و سیاست و تشکیل حکومت را تبیین کند و هم تحلیلی واقعی از نوع نگاه مدیریت اسلامی به مختار بودن انسان و عدم تحمیل رأی به او و توجه به شرایط متغیر زمانی و مکانی و بازتاب آن بر نیازهای جامعه و حتی طرح مفهوم جمهوری اسلامی به مثابه پاسخی نو به سؤال کهن مشروعیت یا قانونیت یک نظام سیاسی به دست بدهد.» (عماد افروغ، بهار و تابستان ۱۳۸۷)

سید حسین نصر نیز با تأکید بر سنت صدرایی در فعالیتهای سیاسی امام خمینی، معتقد است که «برای بسیاری از افراد جالب توجه است و حتی ممکن است شگفت‌آور باشد که می‌بینند آیت‌الله خمینی (ره) که در اوایل عمرش نه فقط به عرفان نظری بلکه به عرفان عملی که بر ریاضت و عزلت و ترک دنیا تأکید می‌کند، بسیار علاقه‌مند بود، در اواخر عمرش کاملاً وارد صحنه سیاست شده است. کلید این معما را بیش از هر چیز باید در همان مراحل سلوک معنوی و سفر آدمی از خلق به سوی حق و رجعت وی از حق به سوی خلق که ملاصدرا در آغاز اسفار اربعه به آن پرداخته است، جستجو کرد. این اسفار هم شامل مرحله سفر از «خلق» به «حق» است و هم شامل مرحله بازگشت به «خلق» به همراه «حق». ثانیاً کلید این معما را باید در تفسیر آیت‌الله خمینی (ره) از مراحل این سفر و چگونگی تطبیق آن در مورد خودش و رسالتش در زندگی جستجو کرد. به هر تقدیر اگر چه بخش اخیر زندگی وی به حسب ظاهر با زندگی آقا محمدرضا بسیار متفاوت است، ولی بخش نخست زندگی وی بسیار شبیه به همان شخصیتی است که او وی را «استاد الاساتید» خوانده است. آیت‌الله خمینی نیز همانند آقا محمدرضا ذوق شعری داشت و سخت مستغرق در سنت شعر عارفانه بود. لازم است در آینده مطالعات دقیق‌تری درباره رابطه میان جنبه‌های نظری و عملی زندگی آیت‌الله خمینی (ره) در ارتباط با تعالیم عرفان و به طور کلی درباره زندگی چند شخصیت سیاسی